



Investigating the Delay and Payment in the Dispute between the Employer and the Contractor in the General Department of Roads and Urban Development of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province

Najmeh Azizi Nasserabad¹, Alireza Asgari^{2*}, Ahmad Moradkhani³

1. PhD Student of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor of Jurisprudence and Law Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Associate Professor of Jurisprudence and Law Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 189-204

Article history:

Received: 1 Oct 2020

Edition: 11 Des 2020

Accepted: 15 Mar 2021

Published online: 19 Mar 2021

Keywords:

employer, contractor, general conditions of the contract, delay in payment, Kohgilouye and Boyerahmad.

Corresponding Author:

Alireza Asgari

Address:

Iran, Qom, Islamic Azad University, Qom Branch, Jurisprudence and Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

alireza.asgari88@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this article is to investigate the delay and payment in the dispute between the employer and the contractor in the General Department of Roads and Urban Development of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad province by reviewing the case file No. 970580 of the General Court of the 2nd Legal Branch of Yasouj city.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the document number 970580 of the General Court of the 2nd Legal Branch of Yasouj city can be criticized in terms of form and substance. The petition of the mentioned case, in terms of form, in order to accept the debt as well as the tax stamp, and in terms of substance, due to the lack of attention to Article 257 and Article 258 of the Civil Code, lack of attention to the process of payments provided in Article 37 of the general conditions of the contract.

Conclusion: The result is that in order to execute the sentence, according to the law, the total credits of the device are deducted, and practically, the device is not fined and it is as if nothing special happened.

Cite this article as:

Azizi Nasserabad N, Asgari A, Moradkhani A. Investigating the Delay and Payment in the Dispute between the Employer and the Contractor in the General Department of Roads and Urban Development of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

بررسی تأخیر و تأدیه در اختلاف کارفرما و پیمانکار در اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد

نجمه عزیزی ناصرآباد^۱، علیرضا عسگری^{۲*}، احمد مرادخانی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف مقاله حاضر بررسی تأخیر و تأدیه در اختلاف کارفرما و پیمانکار در اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد با بررسی دادنامه شماره ۹۷۰۵۸۰ دادگاه عمومی شعبه ۲ حقوقی شهرستان یاسوج است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد دادنامه شماره ۹۷۰۵۸۰ دادگاه عمومی شعبه ۲ حقوقی شهرستان یاسوج از جهت شکل و ماهوی قابل انتقاد است. دادخواست پرونده مذکور از نظر شکلی از جهت پذیرش اعسار و نیز تمبر مالیات و از منظر ماهوی به دلیل عدم توجه به ماده ۲۵۷ و ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م، عدم توجه به فرایند پیش‌بینی شده پرداخت‌ها در ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان، عدم توجه به فرایند تسویه حساب در ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان، عدم توجه به مواد ۳۰ و ۳۵ شرایط عمومی پیمان مورد انتقاد است.

نتیجه: نتیجه اینکه جهت اجرای حکم، طبق قانون از سرجمع اعتبارات دستگاه کسر می‌شود و عملاً دستگاه هیچ‌گونه جریمه‌ای نمی‌شود و انگار اتفاق خاصی رخ نداده است. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد پرداخت جریمه در ضمن قرارداد شرط شود. زیرا که پرداخت جریمه نوعی کیفر است که سزای متخلف در حقوق مدنی به‌شمار می‌آید تا مدیون از طرف دیگر غافل نشود و نتواند حقوق داین را به فراموشی بسپرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۹-۲۰۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

واژگان کلیدی:

کارفرما، پیمانکار، شرایط عمومی پیمان، تأخیر در تأدیه، کهگیلویه و بویراحمد

نویسنده مسئول:

علیرضا عسگری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه فقه و حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

alireza.asgari88@gmail.com

۱. مقدمه

به‌طور کلی دولت و سازمان‌های اداری، برای انجام فعالیت‌های خود ناگزیر به انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی هستند و خدمات مورد نیاز خود را از این طریق تأمین می‌کنند. قراردادهای تابع حقوق عمومی که از احکام و قواعد ویژه‌ای تبعیت می‌کنند که اصطلاحاً به آن‌ها قراردادهای اداری می‌گویند. این قراردادها تابع حقوق عمومی بوده و قاعده حاکم بر آن‌ها جنبه آمره دارند در پیمان‌های دولتی که اهدافی چون صیانت از منافع عمومی و ارائه خدمات دنبال می‌شود. مثل احداث جاده و بیمارستان، از قرارداد نمونه، مشهور به شرایط عمومی پیمان استفاده می‌کند که در این قرار داد در خصوص عدم پرداخت تعهدات مالی به موقع کارفرما، سکوت کرده است. تاکنون ادعاهای بسیاری در این خصوص در دادگاه مطرح شده است و این موضوع تکلیف بسیاری از پروژه را با مشکل اساسی مواجه کرده است. به-عنوان مثال شعبه دوم حقوقی دادگاه عمومی یاسوج در خصوص شکایت پیمانکار علیه اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد به خواسته مطالبه وجه و خسارات تأخیر و تأدیه، حکمی صادر کرده است: مطابق خلاصه پرونده دادنامه شماره ۹۷۰۵۸۰ دادگاه عمومی شعبه ۲ حقوقی شهرستان یاسوج: «آقای (ع ع) به وکالت از شرکت خواهان(س) (ه) با حدود اختیارات مصرح در وکالت‌نامه، دادخواستی به طرفیت اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه به خواسته مطالبه وجه بابت(محکومیت وی به پرداخت صورت وضعیت‌های قطعی و تعدیل و بیمه و مالیات و ارزش افزوده) با جلب نظر کارشناس. الزام به ایفای تعهدات قرارداد، مطالبه خسارات تأخیر و تأدیه، مطالبه خسارت

دادرسی تسلیم دادگاه عمومی یاسوج نموده، شاکی در دادخواست چنین توضیح داده است: موکل اجرای قرارداد شماره ۲۹۸۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۰۶ پروژه به-سازی و آسفالت را به عهده داشته و زیر نظر کارفرما عملیات اجرایی پروژه به‌سازی و آسفالت را به پایان رسانیده است و صورت وضعیت قطعی موید انجام عملیات موضوع پیمان و مطالبات شرکت موکل می-باشد؛ ولی علی‌رغم مدت مدیدی از ارسال صورت وضعیت قطعی به امور مالی از پرداخت مطالبات شرکت موکل امتناع شده است. با عنایت به اینکه عقد منعقد فی مابین موکل و خواننده دارای آثار و تعهدات و ضمانت طرفین می باشد موکل به تعهدات خویش وفا نموده است؛ ولی خواننده به تعهدات پرداخت مطالبات ناشی از قرارداد عمل نکرده است و طبق مبلغ آخرین صورت قطعی و میزان مطالبات با احتساب مالیات ارزش افزوده و حق بیمه سهم کارفرما و جمع مطالبات موکل ۷۱/۸۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد و خواننده به تعهدات قرارداد خویش عمل نموده است صدور حکم شایسته به محکومیت خواننده به ایفای تعهدات و پرداخت مبلغ فوق بعلاوه سایر خسارات دادرسی و خسارات تأخیر و تأدیه از تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۰ لغایت روز پرداخت مورد استدعا است.»

شعبه دوم دادگاه عمومی و در وقت فوق‌العاده و تصدی امضاکنندگان زیر تشکیل و پرونده یادشده تحت نظر است با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌شود: «رأی دادگاه در خصوص دعوی شرکت(س) (ه) به طرفیت اداره کل راه و شهرسازی استان

شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد مطابق پرونده دادنامه شماره ۹۷۰۵۸۰ دادگاه عمومی شعبه ۲ حقوقی شهرستان یاسوج چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مسائل شکلی و ماهوی دادنامه مورد اشاره بررسی شده و در ادامه به بررسی تأخیر و تأدیة مورد بحث در دادنامه پرداخته شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد دادنامه شماره ۹۷۰۵۸۰ دادگاه عمومی شعبه ۲ حقوقی شهرستان یاسوج از جهت شکل و ماهوی قابل انتقاد است. دادخواست پرونده مذکور از نظر شکلی از جهت پذیرش اعسار و نیز تمبر مالیات و از منظر ماهوی به دلیل عدم توجه به ماده ۲۵۷ و ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م، عدم توجه به فرایند پیش‌بینی شده پرداخت‌ها در ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان، عدم توجه به فرایند تسویه حساب در ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان، عدم توجه به مواد ۳۰ و ۳۵ شرایط عمومی پیمان مورد انتقاد است.

کهگیلویه و بویراحمد با وکالت آقای (ع ر) با بررسی محتویات پرونده به این که اصولاً هرگاه یک رابطه حقوقی با توافق اراده انشایی منعقد شود بر اساس اصول صحت و قدرت اجبارکننده عقود و اصل آزادی اراده‌ها، متعاملین ملزم به اجرای مفاد قرارداد و نتایج عرفی حاصل از آن می‌باشند. لذا با توجه به قرارداد فی مابین و نیز ملاحظه نظریه کارشناسی به اینکه خوانده نسبت به خواسته خواهان و اسناد ارائه شده و نظریه کارشناس، ایراد و دفاع مؤثر به عمل نیآورده است. لذا دعوی خواهان را وارد و ثابت تشخیص و مستنداً به مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۱۹۸، ۵۱۵ و ۵۱۹، ۵۲۲ از قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی حکم به محکومیت خوانده با کسر مبالغ پرداختی قبلی و قیر خالص ۶۲/۰۶۵/۵۱۵/۷۵۹ ریال بابت اصل خواسته طبق نظریه کارشناسی در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۹۲ و از تاریخ ابلاغ ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان می‌باشد در ضمن اجرای دادنامه منوط به پرداخت مابه‌التفاوت تمبر مالیاتی وکیل مطابق با تعرفه قانونی و نیز پرداخت مابه‌التفاوت هزینه دادرسی می‌باشد.

با توجه به موارد مشابه زیاد و تعمیم عمومی و واقعیت عواقب این سکوت قرارداد شرایط عمومی پیمان در قرارداد و به تبع در نتایج پروژه‌های عمرانی و رویه دفاع از این‌گونه پرونده‌ها، اهمیت گزارش کارشناس رسمی دادگستری، مستندسازی و علم قاضی در خصوص این گونه قراردادهای و مشکلات کارفرما ضرورت داشت این رأی به صورت موردی بررسی شود. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که تأخیر و تأدیة میان کارفرما و پیمانکار بر اساس شرایط عمومی پیمان در اداره کل راه و

۵. بحث

دعاوی در قراردادهای ساخت، دعاوی ادعایی است برای دریافت پول اضافی به دلیل طولانی شدن زمان انجام قرارداد یا اتمام آن از سوی یکی از عوامل قرارداد باشد. دعوی متقابل نیز ادعایی است که توسط گروهی که علیه او اقامه دعوا شده و به منظور دفاع از خود انجام می‌شود (بانی، ۲۰۰۵، ۲۹۳). قرارداد پیمانکاری نیز نوعی قراردادی است که به موجب آن اداره یا مؤسسه عمومی، فروش کالا یا انجام عمل معینی را در قبال قیمتی معین با شرایط معین و مدت معین به شخص یا اشخاص معین به نام مقاطعه کار واگذار می‌کند و طرفین آن را پیمانکار و کارفرما تشکیل می‌دهند (وفائی سورکی، ۱۳۹۵).

قرارداد پیمانکاری قراردادی انعطاف پذیر است برای مثال در شرایط عمومی پیمان ایران مبلغ پیمان تا ۲۵ درصد نسبت به مبلغ اولیه پیمان می‌تواند تغییر کند. این انعطاف پذیری در قراردادهای پیمانکاری به مرور و در روند اجرای قرار داد ممکن است تغییراتی ایجاد نماید که معمولاً سبب بروز اختلافاتی بین کارفرما و پیمانکار خواهد شد. اختلافاتی که از یک ادعا شروع خواهد شد و سرانجام موجب طرح دعوی یکی از طرفین و دعوی متقابل طرف دیگر خواهد شد.

دعاوی، یک ابزار قراردادی برای حل مسائل مالی و زمانی است. معمولاً دعاوی توسط پیمانکار و علیه کارفرما اقامه می‌شود. دعاوی توسط پیمانکار فرعی نیز علیه پیمانکار اقامه می‌شود. در مواقعی که کارفرما به این نتیجه رسیده باشد که کار مورد نظر به درستی انجام نشده است، علیه پیمانکار اقامه دعوا می‌کند. در صورتی که توافق حاصل شود دعاوی ناپدید گشته

و تغییر به وجود خواهد آمد و در صورتی که توافق حاصل نشود دعاوی به سمت مذاکرات، میانجی‌گری، داوری و یا سرانجام دادخواهی و شکایت پیش از این که حل شود پیش خواهد رفت (مردی پيله رود، ۱۳۸۹).

تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی در زمینه بروز دعاوی در قراردادهای پیمانکاری صورت پذیرفته است. محمد مهدی عزیزالهی و محمدحسین شرافت (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی دعوی حقوقی خسارت تأخیر غیر مجاز قرارداد های پیمانکاری پرداخته‌اند. فرزانه یاری بسطامی (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای، ضمانت اجرای تأخیر پیمانکار در قراردادهای پیمانکاری را بررسی کرده است. مهدی قریشی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، ادعای هزینه‌های خسارت مالی ناشی از تأخیرات مجاز پیمان توسط پیمانکاران را مورد بررسی قرار داده است.

تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله، تأخیر و تأدیه در اختلاف کارفرما و پیمانکار در اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد بررسی می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است رویکرد مراجع قضایی نسبت به تأخیر و تأدیه در اختلاف کارفرما و پیمانکار در اداره کل راه و شهرسازی استان کهگیلویه و بویراحمد چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، به بررسی تأخیر در تأدیه از سوی کارفرما براساس شرایط عمومی پیمان و به نقد بررسی دادنامه ۹۷۰۵۸۰ شعبه دوم دادگاه حقوقی یاسوج پرداخته می‌شود.

۵-۱. مسائل شکلی

دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود و این افراد باید طبق مقررات قانون تجارت رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند که در این پرونده میزان خواسته مشخص بوده است و می‌بایست هزینه دادرسی طبق قانون واریز می‌گردید؛ هرچند که در رأی این موضوع انشا شده است. علاوه بر این، اصولاً هنگامی که شخص خواهان، برای امور خود وکیل می‌گیرد یکی از هزینه‌هایی که در دادخواست مطرح می‌کند تا در صورت بردن دعوی بتواند آن را از خوانده مطالبه کند هزینه تمبر مالیاتی وکیل می‌باشد که طبق ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم وکالت نامه وکیل بدون تمبر مالیاتی معتبر نمی‌باشد. ابتدا باید بیان کرد که تمبر مالیاتی ارتباط مستقیمی با دستمزد وکیل دارد. چنانچه دستمزد وکیل بیشتر از تعرفه باشد وکیل فقط مستحق دستمزد متعارف است اما با توجه به هزینه مرقوم باید تمبر باطل نماید.

و طبق تبصره ۱ همان ماده در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاه‌ها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود.

اداره کل راه و شهرسازی ظرف مدت مقرر قانونی مراتب تقاضای خود را جهت اصلاح رأی پرونده طبق ماده ۳۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی که تصریح می‌داد: «هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه سه قلم رخ دهد؛ مثل از قلم افتادن کلمه یا جدا شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد تا زمان آن درخواست تجدیدنظر خواهی نشد دادگاه رأسا یا به درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌نماید و رأی

تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد» تقاضای تصحیح کرده است و این موضوع تصحیح رأی انجام نشده است.

سود ناشی از تأخیرات به آن شرکت به مبلغ ۲/۱۰۷/۱۲۵/۸۵۷ ریال پرداخت گردیده است.

- میزان سهم تأمین اجتماعی ۴/۱۵۰/۵۱۰/۳۸۹ ریال است.

- میزان سپرده بابت ۵ درصد سپرده حسن انجام کار به مبلغ ۳/۹۰۸/۹۱۲/۳۲۸ ریال است.

- خالص مطالبات شرکت (س ۵) میزان ۵۶/۱۲۹/۳۶۹/۳۸۸ ریال بوده است.

و این مبالغ می‌بایست در وجه سایر ادارات و سازمان‌ها واریز گردد که به آن مبالغ خسارت تأخیر و تأدیه تعلق نمی‌گیرد و نسبت به خسارات تغییر و تعدیل باید گفت سود ناشی از تغییرات برای آن شرکت محاسبه گردیده است. البته این توضیح حالت ماهیتی نیز دارد (خضوعی‌پور؛ هیئت کارشناسی، ۱۳۹۹).

موارد فوق‌الذکر طی لایحه‌ای برای شعبه دوم برای رسیدگی محاکم دادگاه تجدیدنظر ارسال شده است و با توجه به اینکه اداره کل راه و شهرسازی، نتوانسته است ظرف مهلت مقرر نسبت به رفع نقص (هزینه دادرسی) اقدام نماید. قرار رد دادخواست صادر گردیده است.

۵-۲. مسائل ماهوی

از لحاظ ماهوی مسائل و نکات زیر را در خصوص دادنامه مزبور بررسی می‌شود.

۶۱/۰۱۹/۰۵۰/۹۷۶ ریال از مطالبات خود را دریافت ننموده است.

در نظر کارشناسی نسبت به کل مبالغ اظهار نظر شده است. اگر کارکرد پیمانکار ناخالص بوده و بخشی از آن صورت وضعیت بابت بیمه تأمین اجتماعی و بخشی بابت مالیات پرداخت می‌گردد کارشناس محترم به صورت کلی اظهار نظر نموده است و می‌بایست وضعیت مطالبات میزان حق بیمه و مالیات تعیین می‌گردد. در قسمتی از نظریه اعلام گردیده، بخشی از خواسته خواهان مطالبه تأخیر تأدیه می‌باشد. وفق مقررات قانونی و بخش‌نامه‌های مرتبط نسبت به پرداخت اوراق اقدام شده است (این اوراق طبق مقررات مشمول سود هستند). بنابراین یک حق در دو بار اعمال نمی‌گردد یعنی نمی‌توان هم سود این اوراق را از کارفرما خواست و هم خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کرد.

۵-۲-۲. عدم توجه به ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م

دادگاه بر اساس ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م؛ «باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است، انتخاب نماید و در صورت تعدد آنها، به قید قرعه انتخاب می‌شود». به نظر می‌رسد در این پرونده قاضی محترم، باید از کارشناسی که از تخصص بررسی پیمان برخوردار است بهره می‌برد تا جهت بررسی مواردی که احتمالاً مشمول تأخیر و تأدیه می‌باشد و یا مبنای محاسبه تأخیر در تأدیه با دقت بیشتری لحاظ می‌گردید.

۵-۲-۳. عدم توجه به فرایند پیش‌بینی شده پرداخت‌ها در ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان

«در یک رأی جامعه استاندارد قاضی پس از توصیف وقایع و قبل از صدور حکم قواعد و اصول حقوقی و نیز قوانین و مقررات حاکم بر مسئله را بیان و آن‌گاه قواعد را بر پایه تطبیق نموده و در صورت نیاز تفسیر و نظریه خود را در مورد قاعده با توجه به اوضاع و احوال پرونده در ترکیب قواعد و مفاهیم و نظریه‌های حقوقی بیان نموده و در نهایت اقدام به صدور رأی نماید» (اسماعیلی هریسی، ۱۳۸۹، ۱۹). در این رأی این امر به صورت گذرا و ناکافی تقریر شده است.

۵-۲-۱. عدم توجه به ماده ۲۵۷ ق.آ.د.م

مطابق ماده ۲۵۷ ق.آ.د.م: «دادگاه می‌تواند رأسا یا به درخواست هر یک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد». بسیاری از کارشناسان هستند که برحسب سنوات صلاحیت کارشناسی دارند؛ اما تخصص و تجربه کاری در زمینه کارفرمایی و پیمانکاری ندارند که در این فقره از کارشناسی، این موضوع ابهام زیادی وجود دارد. که در ادامه بررسی این مهم آشکار می‌شود.

دادگاه به استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی بررسی پرونده را به کارشناس رشته مالی ارائه کرده است. کارشناس محترم بدون توجه شرایط قرارداد در قسمت نتیجه‌گیری آورده است شرکت بابت مطالبات معوق و پرداخت نشده و صورت وضعیت‌های ارائه شده به اداره راه و شهرسازی و سایر هزینه‌های بیمه و ارزش افزوده و تأخیر طبق شاخص بانک مرکزی مربوط به صنعت‌های پرداختی از تاریخ ارائه سند تا سررسید بابت قرارداد شماره ۲۹۸۳ مبلغ

«در پیمان هایی که مشمول تعدیل آحاد بها هستند؛ پس تأیید هر صورت وضعیت موقت از سوی کارفرما، پیمانکار صورت وضعیت تعدیل آحاد بهای آن صورت وضعیت رابراساس آخرین شاخصهای اعلام شده محاسبه می نماید و به منظور بررسی و پرداخت به نحوی که در بند "الف" تعیین شده است، برای مهندس مشاور ارسال می کند. تبصره- اگر به هر دلیل و غیر از قصور پیمانکار، تعدیل کارکردهای هر نیمه از سال (سه ماهه اول و دوم یا سوم و چهارم) پس از سپری شدن سه ماه از آن نیمه سال، با شاخصهای قطعی، پرداخت نشود، طبق بند ۹ ماده ۳۰ عمل خواهد شد» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۸، ۴۳).

۵-۲-۴. عدم توجه به فرایند تسویه حساب در

ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان

طبق ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان تسویه حساب: «هرگاه بر اساس صورت حساب نهایی که به شرح ماده ۵۱ تهیه شده است، پیمانکار، بستانکار شود، طلب او حداکثر در مدت یک ماه از تاریخ امضای صورت حساب نهایی یا اعلام کارفرما پرداخت می گردد و به غیر از نصف تضمین حسن انجام کار که تا تحویل قطعی باید نزد کارفرما باقی بماند دیگر تضمین های پیمانکار از هر نوع که باشد بی درنگ آزاد می شود» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۸، ۴۵).

در اینجا کارشناس هیچ اشاره ای به صورت حساب نهایی طبق مواد فوق نکرده است (خضوعی پور؛ هیئت کارشناسی، ۱۳۹۹). این قرارداد طبق قانون مشمول بوده است و در این خصوص توضیحات ذیل ضروری

الف) «در آخر هر ماه، پیمانکار، وضعیت کارهای انجام شده از شروع کار تا آن تاریخ را که طبق نقشه های اجرایی، دستور کارها و صورت جلسه است اندازه گیری می نماید و مقدار مصالح و تجهیزات پای کار را تعیین می کند، سپس براساس فهرست بهای منضم به پیمان، مبلغ صورت وضعیت را محاسبه کرده و آن را در آخر آن ماه تسلیم مهندس ناظر می نماید. مهندس مشاور، صورت وضعیت پیمانکار را از نظر تطبیق با اسناد و مدارک پیمان کنترل کرده و در صورت لزوم با تعیین دلیل اصلاح می نماید و آن را در مدت حداکثر ۱۰ روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر پیمانکار برای کارفرما ارسال می نماید و مراتب را نیز به اطلاع پیمانکار می رساند. کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و پس از کسر وجوهی که بابت صورت وضعیت های موقت قبلی پرداخت شده است و هم-چنین اعمال کسورات قانونی و کسورات متعلقه طبق پیمان، باقی مانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت وضعیت، با صدور چک به نام پیمانکار، پرداخت می کند» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۸، ۴۳).

مبنای پرداخت ها در شرایط عمومی پیمان ماده ۳۷ است و در این ماده در خصوص عدم پرداخت به موقع کارفرما سکوت کرده است. و توضیحاتی به شرح ذیل اضافه کرده است و کارشناس محترم هیچ گونه توجهی به این فرآیند پیش بینی شده ننموده و مبالغ حاصل از این ارقام را لحاظ نکرده است.

ب) طبق بند ب ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان:

اجرای کار شود، پیمانکاری می تواند درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید. پیمانکار درخواست تمدید مدت پیمان را با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی، به مهندس مشاور تسلیم می کند و مهندس مشاور پس از بررسی و تأیید، مراتب را برای اتخاذ تصمیم به کارفرما گزارش می کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را به پیمانکار ابلاغ می نماید.

بر اساس بند ۹ «هرگاه کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در موعدهای درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد». هم چنین مطابق بند ۱۰: «موارد دیگری که به تشخیص کارفرما خارج از قصور پیمانکار باشد».

بعد از اینکه پیمانکار تحویل موقت نمود به استناد ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان لایحه تأخیراتی ارائه خواهد نمود و موضوع توسط عوامل کارفرما و مشاور بررسی می شود و طبق بند ۹ ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان: «هرگاه کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در موعدهای درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد». مدت پیمان افزایش می یابد و به همین نسبت تعدیل افزایش می یابد. بنابراین به استناد همین ماده تأخیرات ایجاد شده در تأخیر پرداخت در قالب تعدیل به پیمانکار پرداخت می شود (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۸، ۳۸).

مطابق ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان و با توجه به حکم صادره می توان گفت:

۱- کارشناس محترم به این مقوله توجهی نداشته است.

۲- پرداخت تعدیل به صورت کارکرد به مثابه پرداخت خسارت است. بنابراین محاسبه خسارات بر

است. تعدیل قرارداد راهکاری برای انطباق قرارداد با تغییر اوضاع و احوال و یکی از استثنائات قاعده احترام به قراردادها و اصل اجباری بودن قرارداد است.

در نظام حقوقی اداری، علی رغم عدم پذیرش صریح نظام قراردادهای اداری، موارد خاصی از تعدیل قراردادی و تعدیل قانونی در برخی قراردادهای مورد عمل دستگاه های اجرایی پیش بینی شده است. ولی تعدیل قضایی در این نوع قراردادها هنوز شکل نگرفته است.

در قراردادهای اداری معمولاً تعدیل بیشتر به این صورت و به نام تعدیل آحاد بها در پیمان انجام می شود (خضوعی پور؛ هیئت کارشناسی، ۱۳۹۹).

در قراردادهای اداری به ویژه پیمان های دولتی به علت طولانی بودن مدت قرارداد و انعقاد آنها بر مبنای فهرست بهای پایه، معمولاً این نوع تعدیل متداول است.

طبق بحث نامه تعدیل، تعدیل صورت کارکرد به زمان انجام کار تعلق می گیرد. به دلایل گوناگونی مدت پیش بینی شده در ماده ۴ شرایط عمومی پیمان محقق نمی شود. بنابراین مدت قرارداد افزایش می یابد و به تبع افزایش مدت پیمان در تعدیل قرارداد از شاخص های مدت مجاز استفاده می شود و تمدید مدت مجاز پیمان به استناد ماده ۳۰ تغییر مدت پیمان صورت می گیرد.

۵-۲-۵. عدم توجه به ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان

مطابق ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان: «در صورت وقوع هر یک از موارد زیر که موجب افزایش مدت

که متخلف را در مقابل طرف دیگر مسؤول می‌داند» (انصاری، ۳۲، ۱۳۷۷).

در این خصوص ماده ۲۲۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در مورد عدم ایفای تعهد از طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید؛ مگر اینکه برای ایفای تعهد مدت یکی از متعاملین طرف معینی مقرر شده و مدت منقضی شده باشد و اگر برای ایفای تعهد مدت مقرر نبوده طرف مقابل وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است» (کاتوزیان، ۱۹۶، ۱۳۹۰).

در شرایط عمومی پیمان انجام تعهدات طرفین منوط به مدت معینی است و میزان خسارات کارفرما در خصوص تأخیر در انجام تعهدات پیش‌بینی نشده است. بنابراین مطالبه هرگونه خسارت از جانب پیمانکار در صورت تخلف کارفرما از انجام تعهدات به‌ویژه تعهدات مالی بر اساس پیمان مشخص نمی‌باشد.

هیچ یک از مواد شرایط عمومی پیمان ضابطه خاص و ملاک مشخصی برای تعیین تأخیرات غیر مجاز کارفرما در انجام تعهدات به دست نمی‌دهد.

در مورد تأخیرات مجاز و غیر مجاز پیمانکار، مادتين ۳۰ و ۵۰ شرایط عمومی پیمان مطالبی را ذکر می‌کند که مربوط به تأخیرات مجاز و غیر مجاز تا زمان تحویل موقت پروژه از آن استنباط می‌شود. بند (ج) ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان مقرر می‌دارد: «در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان، اگر کار به اتمام نرسیده باشد، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار و با توجه به موارد تعیین شده در بند

خسارت (محاسبه تأخیر و تأدیه برای تعدیل) دلیل قانونی ندارد (خضوعی پور؛ هیئت کارشناسی، ۱۳۹۹).

۵-۲-۶. عدم توجه به ماده ۳۵ شرایط عمومی پیمان

مطابق ماده ۳۵ شرایط عمومی پیمان «از مبلغ هر پرداخت به پیمانکار، معادل ۱۰ درصد به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر و در حساب سپرده نزد کارفرما نگهداری می‌شود. نصف این مبلغ پس از تصویب صورت وضعیت قطعی طبق ماده ۴۰ شرایط عمومی پیمان و نصف دیگر آن پس از تحویل قطعی بارعایت مواد ۴۲ و ۵۲ مسترد می‌گردد».

تبصره: «پیمانکار می‌تواند وجوه سپرده تضمین حسن انجام کار را طبق دستورالعمل نافذ در زمان ارجاع کار که شماره و تاریخ آن در اسناد و مدارک پیمان درج شده است دریافت کند».

میزان سپرده بابت ۵ درصد سپرده حسن انجام کار به مبلغ ۳/۹۰۸/۹۱۲/۳۲۸ ریال است. که کارشناس محترم در این خصوص خسارت تأخیر و تأدیه رل محاسبه نموده است (خضوعی پور؛ هیئت کارشناسی، ۱۳۹۹).

۵-۳. تأخیر و تأدیه

«رکن اصلی در کلیه قراردادهای عمرانی، انجام کار در مدت معین می‌باشد. بنابراین تأخیر در انجام کار خساراتی را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد. از این روی زمان ایفای تعهد اهمیت زیادی در این نوع قراردادها دارد. تأخیر در انجام تعهد به دلیل ملزم نبودن به قرارداد، نوعی تخلف از شرایط قرارداد است

طرفین توافقی نسبت به نرخ و میزان خسارت تأخیر و تأدیه ننموده‌اند: اول) توافق و تراضی در خصوص خسارت تأخیر و تأدیه. در مورد مطالبات مالی چنانچه طرفین ضمن قرارداد یا به‌طور شفاهی (با دلیل موجه) در خصوص میزان خسارت تأخیر و تأدیه توافق نموده باشند. دادگاه خسارت تأخیر را بر مبنای توافق طرفین احتساب خواهد کرد. دوم) عدم توافق قبلی طرفین در مبدأ خسارت تأخیر و تأدیه. در بسیاری از موارد طرفین در معاملات خود متعرض مبدأ محاسبه خسارت تأخیر و تأدیه نمی‌گردند و معمولاً این مطلب را به سکوت برگزار می‌کنند» (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۱۲۸). حال سؤال اساسی این است که در این‌گونه موارد چه زمانی را باید مبدأ محاسبه خسارت تأخیر و تأدیه دانست؟

«قانون مدنی مبدأ خسارت تأخیر تأدیه را اصولاً از زمان تقدیم دادخواست به دادگاه قرار داده بود. آئین دادرسی ما هم از این اصول پیروی کرده است و موضوع خسارت تأخیر تأدیه از سال ۱۳۰۶ در قوانین ما برقرار شده است (متین دفتری، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۷۸). به‌طوری که در ایران پیش از انقلاب، طبق آئین دادرسی مدنی (ماده ۷۱۹ تا ۷۲۳) خسارت تأخیر تأدیه ۱۲ درصدی برای یک سال در تمام امور مربوط به دیون وجود داشت. با شکل‌گیری انقلاب و روند اسلامی شدن قوانین و با توجه به حرمت ربا بانک‌ها برای جلب مشارکت مردم و ترغیب مشتریان به باز پرداخت بدهی نه‌تنها خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نمی‌کردند؛ بلکه نرخ بهره را به‌صورت کارمزد تا حد ۴ درصد کاهش دادند، سوءاستفاده برخی در بازپرداخت بدهی و بروز مشکلات مالی و اجرایی در بانک‌ها باعث شد شورای پول و اعتبار برای رفع

(الف) علل تأخیر کار را بررسی می‌کند و میزان مدت مجاز و غیر مجاز آن را با توافق پیمانکار تعیین می‌کند و نتیجه را به کارفرما گزارش می‌کند و سپس نظر کارفرما را در مورد میزان مجاز و غیر مجاز تأخیر کار به پیمانکار اعلام می‌کند و معادل مدت تأخیر مجاز، مدت پیمان را تمدید می‌نماید» (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۸، ۳۷). بند (ب) ماده ۵۰ شرایط عمومی پیمان در این‌باره می‌گوید: «در پایان کار، در صورتی که مدت انجام کار بیش از مدت اولیه پیمان به‌علاوه مدت‌های تمدید شده پیمان باشد، مهندس مشاور با رعایت ماده ۳۰ و رسیدگی به دلایل پیمانکار، مدت تأخیر غیر مجاز پیمانکار را تعیین می‌کند، تا پس از تصویب کارفرما به شرح زیر ملاک محاسبه خسارت تأخیر قرار بگیرد...». هم‌چنین بند (ه) ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان به منظور تمییز نهایی و قطعی تأخیرات مجاز از غیر مجاز مقرر می‌دارد: «در اجرای مفاد این ماده، اگر پیمانکار با مهندس مشاور توافق نداشته باشد با نسبت به تصمیم کارفرما معترض باشد، طبق نظر کارفرما عمل می‌شود و پیمانکار می‌تواند بر اساس ماده ۵۳ برای حل مسئله اقدام نماید»

«مسأله ای که در خصوص خسارت تأخیر و تأدیه بسیار مهم به نظر می‌رسد این است که مبدأ محاسبه این خسارت از چه زمانی است و مدیون در صورت محکومیت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، این خسارت را باید از چه زمانی محاسبه و به دائن پرداخت نماید؟ در پاسخ به این سؤال باید دو حالت را از یکدیگر تفکیک نماییم: اول) مواردی که طرفین در خصوص خسارت تأخیر و تأدیه در قرارداد یا به‌صورت شفاهی توافق نموده‌اند: دوم) مواردی که

۴- مطابق ماده ۵ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و تبصره ذیل آن مصوب ۷۸.

«میزان خسارت تأخیر تأدیه فی مابین متعهد و متعهد له (در امور بانک‌ها و مراجعی که قانوناً حق دریافت آن‌ها را دارند) تا تاریخ صدور اجرائیه انجام می‌شود و بعد از آن با اداره ثبت مربوطه است.»

«عبارت میزان خسارت تأخیر تأدیه تا روز درخواست اجرائیه، نشان دهنده‌ی این مطلب است که در آئین نامه ای که در صدر اشاره گردید مبدأ محاسبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه از روز سررسید سند در نظر گرفته شده است» (حسینی، ۱۷۵، ۱۳۸۷).

«مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را باید هنگامی فرض کرد که دائن به‌طور رسمی یا غیر رسمی طلب خود را مطالبه کرده باشد و از تاریخ مطالبه طلب است که طلبکار استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه را پیدا می‌کند» (سماواتی، ۱۳۸۰، ۷۸).

مطابق ماده ۳۰۴ قانون تجارت: «خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه، مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از تاریخ اقامه‌ی دعوی محسوب می‌شود.»

عده‌ای از حقوقدانان معتقدند «مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج (موضوع ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی) می‌باشد نیز از هنگامی است که بستانکار دین را خواسته باشد. در این صورت دادگاه از تاریخ مطالبه تا روز صدور حکم نسبت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه حکم خواهد داد. تاریخ مطالبه نیز با توجه به تاریخ تقدیم اظهارنامه یا درخواست شفاهی یا تاریخ

مشکل، در پی قانونی کردن أخذ جریمه دیرکرد و تأیید شرعی آن برآید؛ از این‌رو طرحی را تهیه کرد که در آن بدهکار به‌صورت شرط می‌پذیرفت، اگر بدهی را در سررسید نپردازد، جریمه را نیز بدهکار شود. شورای نگهبان نیز تصویب کرد که اگر وام گیرنده، به صورت شرط بپردازد در صورت نپرداختن بدهی در سررسید، باید مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال را به بانک بپردازد، گرفتن آن مبلغ جایز است (موسویان، ۱۳۸۴، ۷۸).

محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر پایه این موارد است:

۱- مطابق تبصره ماده ۲ قانون صدور چک «دارنده می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های واردشده که مستقیماً و به‌طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد از دادگاه تقاضا نماید...»

۲- وفق تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۷۶/۴/۲۹ «چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند...»

۳- در ماده ۲ آئین‌نامه اجرای قانون مدنی نیز آمده است: «نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است: متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضرب در مهریه مندرج در عقدنامه.»

در هر صورت، تعیین مقدار و شیوه پرداخت خسارت تأخیر کار باید در قرارداد پیمانکاری دقیقاً تعیین شده و به دقت رعایت شود. همچنین، وکیل قرارداد پیمانکاری می‌تواند در مواقعی که تنازعات و اختلافات در مورد تأخیر کار به وجود آمده باشد، به طرفین کمک کرده و راهکارهای قانونی برای حل این اختلافات ارائه دهد تا منافع طرفین حفظ شود.

شرط اول یعنی مطالبه دین بر اساس خسارت تأخیر تأدیه در موضوع قراردادهای پیمانکاری به دو صورت ذیل می‌باشد: (۱) محاسبه مطالبات پیمانکاران از زمان مطالبه دین به‌طور رسمی که در دبیرخانه کارفرما ثبت شده است، ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. زمانی که اظهارنامه رسمی برای کارفرما ارسال شود یا زمان طرح دادخواست حقوقی ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. نتیجه می‌گیریم که برای اینکه پیمانکار خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند بهتر است هر دو روش فوق را انجام دهد تا زودتر به حق و حقوق خود برسد.

(۲) خسارت تأخیر تأدیه پرداخت صورت وضعیت قطعی پیمان: در صورتی که کارفرما در رسیدگی به صورت وضعیت قطعی پیمانکار تاخیر کند باید در این مورد جبران خسارت پیمانکار کند. بر اساس ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان، بند الف، پیمانکار باید صورت وضعیت موقت را در مدت ده روز از زمانی که به‌وسیله مهندس ناظر به مهندس مشاور تحویل داده شد، بررسی و به کارفرما ارسال شود. کارفرما از تاریخی که صورت وضعیت را دریافت می‌کند ۱۰ روز مهلت برای پرداخت مبلغ صورت وضعیت به پیمانکار دارد.

مبنای پرداخت در شرایط عمومی پیمان ماده ۳۷ است که طبق روال عادی اگر پیمانکار عین شرایط

تقدیم دادخواست تعیین خواهد شد. البته رویه معمول محاکم نیز در خصوص پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مطالبات پولی، بر مبنای تاریخ مطالبه‌ی خواهان است» (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۱۲۷).

در حال حاضر مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و رویه عملی محاکم در مورد اوراق تجاری، مهریه و اسناد موضوع آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از تاریخ سررسید سند می‌باشد.

ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. صراحتاً مبدأ محاسبه خسارت را در خصوص دیون از نوع وجه رایج تعیین نکرده و به نوعی به اجمال برگزار نموده است؛ اما در حال حاضر نظریه احتساب خسارت از تاریخ مطالبه دارای اقبال بیشتری است. ممکن است بسیاری از طلبکاران به عمد از وصول طلب خود استنکاف نموده و با گذشت مدت مدیدی از سررسید طلبشان، خسارت هنگفتی را به بدهکار تحمیل نمایند.

۶. نتیجه

اگر پیمانکار در انجام تعهدات خود برای تکمیل پروژه در زمان معین تأخیر داشته باشد که این تأخیر از جمله تأخیرهای غیرمجاز باشد، او موظف است ضرر و زیان کارفرما ناشی از عدم تحویل به موقع پروژه را جبران کند. خسارت تأخیر کار از طریق تعیین‌های قراردادی به پیمانکار تعلق می‌گیرد و معمولاً به صورت وجه التزام در قرارداد ذکر می‌شود. اگر تعیین میزان خسارت تأخیر کار به توافق طرفین در قرارداد وارد نشده باشد، می‌تواند توسط مرجع صالح رسیدگی به اختلاف تعیین شود. در این صورت، خسارت تأخیر کار به‌عنوان جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای پروژه تعیین می‌شود.

تصمیم اصلح را اتخاذ نماید. در اعطای صلاحیت‌های کارشناسی به کارشناسان دارای صلاحیت کارفرما و پیمانکار دقت بیشتری لازم است. آموزش کارکنان، کارشناسان حقوقی ادارت، برای دفاع مؤثرتر بسیار ضروری است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر در این مقاله مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

این ماده کارکرد یک ماهه خود را به صورت وضعیت ارائه نماید. ظرف مدت یک ماه، مطالبات کارکرد با کسر کسورات قانونی در وجه ایشان پرداخت خواهد شد که عملاً این موضوع در واقع اتفاق نمی‌افتد. در شرایط عمومی پیمان در خصوص عدم پرداخت به موقع کارفرما سکوت کرده است. در پیمان‌هایی که مشمول تعدیل آحاد بها هستند؛ پس از تأیید هر صورت وضعیت موقت از سوی کارفرما، صورت وضعیت تعدیل آحاد بهای آن صورت وضعیت را براساس آخرین شاخص‌های اعلام‌شده جهت پرداخت محاسبه می‌شود. اگر به هر دلیل و غیر از قصور پیمانکار، تعدیل کارکردهای هر نیمه از سال (سه ماهه اول و دوم یا سوم و چهارم) پس از سپری شدن سه ماه از آن نیمه سال، با شاخص‌های قطعی، پرداخت نشود و یا طبق طبق بند ۹ ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را در مواعید درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد. مدت پیمان طبق مقررات مجاز می‌شود و به صورت وضعیت کارکرد در این مدت مجاز تعدیل تعلق خواهد گرفت و عملاً تعدیل متناسب با نرخ تورم است در مدت پیمان پرداخت می‌شود. در صورت عدم پرداخت صورت وضعیت قطعی هیچ‌گونه تمهیدی برای مدت بعد از تحویل موقت پیش‌بینی نشده است. کارشناسان رسمی دادگستری برای صورت وضعیت‌های موقت، نیز تأخیر و تأدیه محاسبه می‌نمایند که طبق توضیحات بند ۳، محاسبه تأخیر و تأدیه برای صورت وضعیت موقت، قانونی به نظر نمی‌رسد. مبنای محاسبه تأخیر و تأدیه مهم‌ترین مسئله‌ای است که می‌بایست بیشترین دقت در آن مراجع قضایی صورت پذیرد و نظریه کارشناسی بایستی به گونه‌ای باشد که دادگاه بتواند

منابع

فارسی

- عزیزالهی، محمد مهدی؛ شرافت، محمد حسین، «دعوی حقوقی خسارت تأخیر غیر مجاز قرارداد های پیمانکاری»، سومین کنفرانس بین المللی تحقیقات بنیادین در حقوق و علوم قضایی، تهران، ۱۴۰۱.
- فرزانه، یاری بسطامی، «بررسی ضمانت اجرای تأخیر پیمانکار در قراردادهای پیمانکاری»، مجله دانش حقوق و مالیه، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۹۹.
- قریشی، مهدی، نگرشی بر ادعای هزینه های خسارت مالی ناشی از تأخیرات مجاز پیمان توسط پیمانکاران، چاپ اول، تهران، انتشارات ارسطو، ۱۴۰۰.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- متین دفتری، احمد، آئین دادرسی مدنی و باررگانی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸.
- مردی پیلرود، بهرنگ، «بررسی علل بروز اختلافات قراردادی و پیشنهاد راهکارهای پیش گیرانه» (مطالعه موردی قراردادهای پیمانکاری داخلی در شرکت های تابعه وزارت نفت)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.
- موسویان، سید عباس، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۴.
- وفایی سورکی، عبدالرضا، «بررسی علل پیدایش دعاوی پیمانکاری و ارائه راه کارهایی در جهت کاهش آن» (مطالعه موردی پروژه های ساختمانی استان مازندران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، تفت، ۱۳۹۵.
- اسماعیلی هریسی، ابراهیم، شرح حقوقی پیمان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دفتر نظارت اجرایی، ۱۳۸۹.
- انصاری، ولی الله، حقوق قراردادهای اداری، چاپ اول، تهران، نشر حقوق دان، ۱۳۷۷.
- حسینی، سید اسماعیل، اصول حاکم بر قراردادهای دولتی (مباحث علمی - کاربردی)، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۷.
- خضوعی پور، نوربخش، و هیأت کارشناسی، «نظریه کارشناسی (راه و ساختمان)»، نشریه کانون کارشناسان دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد، شماره ۷۳۳۸، ۱۳۹۹.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، موافقت - نامه (شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان ها و مقررات آن ها، بخش نامه به دستگاه های اجرایی، مهندسان مشاور و پیمانکاران)، چاپ اول، تهران، نشر دفتر تدوین ضوابط و معیارهای فنی، ۱۳۷۸.
- سماواتی، حشمت الله، خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۰.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.

لاتين

-Bunni, Nael G, The Fidic Forms of Contract, 3th edition, New York, Publisher Wiley-Blackwell